

اردیبهشت کودتا زده  
**اعدام روزبه**  
درسی که نه شاه  
از تاریخ گرفت  
نه جمهوری اسلامی

اردیبهشت فرا رسیده است. از آن اردیبهشت کودتازده که خسرو روزبه قربانی بزرگ آن بود، چندین دهه فاصله گرفته ایم، اما از آن آرمان ها و اهداف و آرزوهائی که روزبه بخاطر آن ها تیرباران شد، هیچ میهن دوست واقعی فاصله نگرفته است. تفاوت نمی کند که چنین میهن دوستانی در صف نظامیان باشند و یا دیگر صفوف اجتماعی، از آن نسلی بازمانده باشند، که روزبه از آن بود و یا از نسل کنونی و در صحنه. بحث بر سر آرمان ها و اهداف انسانی و ترفیخواهانه ایست که پیوسته حزب توده ایران، با برنامه ها و اهداف واقعی بینانه و منطبق بر شرایط ایران نماد آن بوده است.

زنده نگهداشتن یاد روزبه، برای ما پیوسته باید چنین بار و مفهومی داشته باشد، نه قهرمان پروری.

آنچه را در زیر می خوانید بخشی از گفته های روزبه در دادگاه نظامی پس از کودتای 28 مرداد است.

محرومیت های شخصی و مشاهده مشقات توده های مردم ضرباتی در دوران زندگی به روح حساس و تاثیر پذیر من وارد آورد که فکر و روح مرا به کنگاش درباره وضع زندگی طبقات محروم و اداشت. من دیگر آن خسرو روزبه ای نبودم که می خواست از طریق تالیف و ترجمه و اکتشاف به جامعه خدمت کند، بلکه یکباره منقلب شدم. توفان عظیمی اعصاب و روحم را تحت استیلاي خود گرفت. فکر محدود خدمت های جزئی را کنار گذاشتم و تصمیم گرفتم کار را از ریشه و اساس اصلاح نمایم تا به بدبختی میلیون ها نفر از هم میهنانم پایان بخشم.

... عباسی وظیفه داشت بمیرد و حرف نزند، من وظیفه دارم بمیرم و حرف بزنم و از مقدسات حزبم دفاع کنم.

من زمانی دستگیر شدم که دیگر هیچ راز مکتومی وجود نداشت. حتی مطالبی که فقط دو نفر از آن واقف بودند افشاء شده بود و اطلاعات دستگاه ده برابر اطلاعات من بود. در چنین شرایطی فقط یک وظیفه وجود داشت و آن هم دفاع از گذشته حزب و افتخارات آن بود. من اگر می خواستم مثل جلسات اول بازپرسی به همه چیز پاسخ "نه" بدهم، نه تنها از اطلاعات دستگاه تحقیق چیزی کم نمی شد، بلکه طرح مسائل و دفاع از آن ها برای کسی که از بیخ منکر همه چیز است نیز نه امکان داشت و نه معقول بود. بالنتیجه حزب بلادفاع می ماند و بدون تردید من برای این وظیفه، امروز مانند **وارطان** و **کوچک شوشتری** وجود خارجی نداشتم.

شاید این نخستین بار باشد که شما متهمی را با چنین روحیه و طرز تفکری محاکمه می کنید ولی نخستین بار در تاریخ نیست. تاکنون بسیاری از انسان های صاحب عقیده در چنین دادگاه هائی محاکمه شده اند، محکوم گردیده اند و به شرف شهادت رسیده اند ولی افکار عمومی آنان را تبرئه کرده است. من به عقاید پای بندم، نظرات سیاسیم را مقدس می شمارم، به عهد و سوگند خود وفادارم.

بعنوان یک افسر دانشکده دیده و مربی دو هزار نفر از افسران ارتش ایران اعلام می‌کنم که افسران ایرانی از لحاظ هوش و فراست و قدرت ابتکار و سرعت درک و حسن تشخیص و پایه معلومات به هیچوجه از هیچیک از افسران ارتش های جهان چیزی کم ندارند و اگر شرایط مناسب تحصیل برایشان فراهم گردد و تشویق به تحصیل شوند می‌توانند در عداد زبده ترین افسران جهان باشند. با وجود این واقعا متاسف می‌شدم وقتی می‌دیدیم فلان درجه دار بیسواد امریکائی چندین برابر فلان افسر تحصیل کرده ایران از صندوق ارتش ایران حقوق می‌گیرد و بعلاوه کرایه خانه و ماشین نویس و اتومبیل و کلفت و نوکر هم در اختیارش می‌گذارند. ارتش ایران با وجود افسران با سواد و تحصیل کرده زیادی که دارد بهیچوجه محتاج این باصطلاح مستشاران نیست.

نه من و نه آن افسران و نه هیچیک از کسانی که در سال های اخیر بعلت فعالیت های سیاسی محکوم گردیده اند نه تنها بزهار نیستیم بلکه خدمتگزار میهن عزیز خود نیز هستیم و افکار عمومی ملت عادل و نجیب ایران تمام این احکام را ظالمانه می‌داند و فرزندان فداکار خود را تبرئه نموده است. خسرو روزبه را محکوم کنید ولی شجاع و شهامت و میهن پرستی و بشر دوستی و فداکاری را محکوم نکنید.

(نه سپهبد آزموده ها و دربار شاهنشاهی از این گفته ها پند گرفت و در اندیشه فرو رفت و نه حجت الاسلام ریشه‌ری که حکم اعدام برای امثال **سرهنگ کبیری** و **عطاریان**، **افضلی** و ... صادر کرد و اجرای آن را به اسدالله لاجوردی واگذاشت. چرخه ستیز با واقعیات و غوطه خوردن در فساد و نظام بشدت طبقاتی بار دیگر (اندک سالی پس از انقلاب 57) آغاز شد و به مردابی ختم شد که امروز جمهوری اسلامی در آن غوطه ور است!)